



جستاری در تفسیر «منة المنان فی الدفاع عن القرآن»

نگارش و تحقیق: علی راد

سخن نخست

نگارش تفاسیری در راستای پاسخ به شبهات امروزی قرآنی، تلاشی است، شایسته بسی تقدیر و تحسین، تفاسیری که با روشی نوین و آمیخته با استدلال‌های منطقی مستند به آیات و غرر بیانات اهل الذکر نقاب از چهره در پس آفتاب کلام الهی برانداخته و هدایت به صراط اقوم قرآنی را روشن تر ساخته‌اند.

تفسیر منة المنان از جمله این تفاسیر است چنان که از نام آن پیداست، مؤلف گرانقدر آن علاوه بر هم بلیغ و جدّ وسیع، مشمول رحمت «الرحمان» و منة «المنان» واقع شده و کمر همّت در زدایش شبهات به ظاهر متضاد قرآنی بسته است، و فارغ از اکثر شیوه‌های تقلیدی تفسیر قرآن، با ابداع و ارائه روشی نو در عرصه تفاسیر عصری، خدمت شایان توجهی به جامعه قرآنی به انجام رسانیده است.

نگارنده از زمانی که با این تفسیر آشنا شدم با مطالعه پاره‌ای از بخش‌های آن، شیفته شیوه تفسیری آن گشتم، به گونه‌ای که اشتیاقم برای نگارش مقاله‌ای در جهت معرفی این اثر وزین مضاعف شد. آنچه از نظر شما می‌گذرد مختصری است از شیوه تفسیری منة المنان

پیشگفتار

سال هشتم
شماره ۳۲

۴۴

در تبیین نکات برجسته منهج تفسیری آن و امتیازات منحصر به فرد این تفسیر در طرح شبهات فنی قرآنی و پاسخ به آنها، که سعی شده با پرهیز از اطّاب به معرفی آن پرداخته شود.

آشنایی با مؤلف تفسیر منة المنان

تفسیر منة المنان فی الدفاع عن القرآن، اثر متفکر بزرگ علامه مجدد شهید سید محمد، محمد صادق صدر (ره) معروف به محمد صدر می باشد، پدر بزرگوار ایشان سید محمد صادق فرزند محمد مهدی بن اسماعیل بن صدر الدین است.

شهید محمد صدر در خانه علم و فضیلت، به تاریخ ۱۷ ربیع الاول ۱۳۶۲ هـ. ق به دنیا آمد و از عنایات جدّ مادری خود حضرت آیت الله العظمی شیخ محمد رضا آل یاسین بهره برد و از همان اوان کودکی شهید شیرین علم را نوشید و در پرتو تربیتی برگرفته از آداب اسلامی رشد کرد و از همان خردسالی، تحصیل دروس دینی را در قالب متون حوزوی آن عصر، آغاز کرد، به گونه ای که هنگام تشرّف به لباس روحانیت بیش از یازده سال از بهار زندگی اش نگذشته بود.

ایشان مرحله سطح دروس حوزوی را در محضر علمایی هم چون شهید محمد باقر صدر، سید محمد تقی حکیم و شیخ صدر ابادکوبه ای به پایان رساند و در بحث های خارج فقه مراجع بزرگوار می همانند سید محسن حکیم، امام خمینی، محمد باقر صدر، و خوبی (قدس سرهم) شرکت کرد و اجازه اجتهاد را از استادش محمد باقر صدر در سن سی و چهار سالگی دریافت کرد.

هم چنین شهید محمد صدر (ره) جزء اولین گروه از دانش آموختگان دانشکده فقه نجف در سال ۱۹۶۴ م بود که همراه شخصیت های بزرگی هم چون علامه دکتر احمد وائلی و دکتر سید مصطفی جمال الدین از آن فارغ التحصیل شد، اساتید برجسته شهید در دانشکده فقه نجف (کلیه الفقه)، مجتهد مجدد شیخ محمد رضا مظفر در فلسفه الهی، دکتر حاتم کعبی در جامعه شناسی، دکتر احمد حسن الرحیم در روانشناسی، دکتر فاضل حسین در تاریخ و سید عبدالوهاب کربلایی در زبان انگلیسی بودند، علامه محمد صدر زبان انگلیسی را به روانی صحبت می کرد و جلسه هفتگی به زبان انگلیسی داشت. شهید صدر افزون بر اجازه اجتهاد، از مشایخ بزرگ دوره خود اجازه حدیث هم دریافت کرد. شهید علاوه بر دروس معمول حوزوی و تدریس خارج فقه، جلسه هفتگی در تفسیر

قرآن نیز داشت و بدان اهتمام می ورزید . تفسیر منة المَنَّان ثقاوه و خلاصه آن جلسات می باشد که به خامه خود شهید به تحریر در آمده است .

اما نور علم او دیری نباید تا اینکه رژیم بعثی عراق ، این عالم و مرجع عظیم الشان را به همراه دو فرزند برومندش در یک اقدام ناجوانمردانه به شهادت رسانید . ۱

آثار قلمی شهید صدر

- ۱ . نظرات اسلامیه فی اعلان حقوق الانسان . (بررسی منشور حقوق بشر از دیدگاه اسلام)
- ۲ . فلسفة الحج و مصالحه فی الاسلام .
- ۳ . اشعة من عقائد . (سه بحث در اصول دین)
- ۴ . القانون الاسلامی ؛ وجوده ، صعوباته (تلاشی برای نوشتن فتاوی فقهی به شکل مواد قانونی)
- ۵ . موسوعة الامام المهدي (عج) (دایرة المعارف مباحث مهدویت و اثری منحصر به فرد)
- ۶ . ما وراء الفقه (دایرة المعارف فقهی ، ۱۰ جلدی)
- ۷ . فقه الاخلاق (۲ جلد شامل احکام اخلاقی و مستحبات در فقه)
- ۸ . فقه الفضاء (شامل مباحث فقهی بی نظیر درباره تکلیف شرعی در خارج از کره زمین)
- ۹ . کلمة فی البداء (گفتاری است شامل پنج طبقه از دلائل قرآنی و روایی)
- ۱۰ . الصراط القويم (توضیح المسائل مختصر)
- ۱۱ . منهج الصالحين (توضیح المسائل مفصل ، ۵ جلد)
- ۱۲ . مناسک الحج .
- ۱۳ . کتاب الصلاة .
- ۱۴ . اضواء علی ثورة الامام الحسين علیه السلام (اثری گرانقدر ، حاوی صدها نکته درباره حماسه حسینی) .
- ۱۵ . منة المَنَّان فی الدفاع عن القرآن .
- ۱۶ . دوره اصول کامل : تقریر بحث خارج اصول شهید محمد باقر صدر (چاپ نشده) .
- ۱۷ . دوره اصول کامل : تقریر بحث خارج اصول آیت الله خوئی (چاپ نشده) .
- ۱۸ . تقریر مبحث مکاسب بحث خارج فقه امام خمینی (چاپ نشده) .
- ۱۹ . مبحثی پیرامون رجعت .

۲۰. مبحثی پیرامون دروغ گفتن .

۲۱. اللمعة فی احکام صلاة الجمعة .

۲۲. و دهها مقاله و مباحث متفرقه در فقه و تفسیر و مسائل اجتماعی در بسیاری از مجلات .

«منة المَنان» و جایگاه آن در بین تفاسیر

نام کامل این اثر قرآنی عبارت است از : منة المَنان فی الدفاع عن القرآن تألیف السید محمد الصدر . جلد اول این تفسیر توسط نشر دار النجوى بیروت (بدون تاریخ چاپ) به چاپ رسیده است و سایر مجلدات آن تا نگارش این مقاله به حدی که نگارنده اطلاع دارد به چاپ نرسیده است .

تاریخ تحریر و تدوین جلد آغازین این تفسیر آن گونه که مؤلف محترم آن در آخر مقدمه جلد اول اشاره کرده است ، به تاریخ ۲۶ رمضان المبارک ۱۴۱۶ هـ . ق صورت پذیرفته است ، آنجا که می فرماید :

«حرره بتاريخ السادس والعشرين من شهر رمضان المبارك، عام ۱۴۱۶ هـ.» ۲

ولی مطالب تفسیری آن در اصل خلاصه جلسات تفسیر شهید در عراق است که به صورت هفتگی ایراد کرده و بعدها این گونه تدوین یافته است و خود ایشان در مدخل تفسیر ، به این امر اقرار دارد که تفسیر منة المَنان خلاصه ای از محاضرات و دروس تفسیری ایشان همراه با حذف پاره ای از مباحث می باشد آنجا که می فرماید :

... كما ان الدرس والمحاضرات التي استخلص منها هذا الكتاب ، قد اتبعت ذات الاسلوب

ومع ذلك فقد حذف بعض الامور التي قلتها في الدرس ولم اسجلها في هذا الكتاب... ۳

لکن تفسیر منة المَنان از نادر منشورات قرآنی است که دوره پایانی ندارد و همواره زنده ، نو و الهام بخش روشی نوین در عرصه فهم قرآن بوده و خواهد بود و هیچ گاه گرد و غبار کهنگی و صبغه گذشت زمان چهره جاذب و با طراوات آن را نمی پوشاند .

جایگاه منة المَنان در بین کتب تفسیر ، دو جهت عمده دارد ، از بُعدی می توان آن را در زمره کتب مشکلات القرآن قرار دارد و از بُعدی دیگر آن را در کنار تفاسیر تخصصی عصری ، و در هر دو بُعد ، متفاوت از شیوه متقدمان و متأخران ، سبکی ممتاز به خود اختصاص داده است .

خواننده مدبر به هنگام مطالعه آن به تحقیق خواهد یافت که علامه محمد صدر فارغ از

شیوه‌های تفسیری سایر نگاه‌هاست‌های دیرین و امروزین قرآنی، سعی در ارائه سبک تفسیری جدید، برای قرآن پژوهان معاصر دارد، که می‌خواهند به پاسخی متن و مستدل درباره شبهات جدید و قدیم قرآن دست یابند و خاطر اندیشه را به ساحل یقین رهنمون سازند و در این راه، سراسر این تفسیر وزین پراز سؤال و احتمالات و قیل و قال‌های تفسیری است که مفسر در ابعاد مختلف آن به تفصیل سخت رانده و پاسخی متین ارائه داده است. شاید بتوان گفت کم‌تر تفسیری این چنین به پردازش شبهات تفسیری در قالب پرسش و پاسخ، که در تعمیق بحث بسیار مؤثر و در مطالعه جذاب می‌نماید، پرداخته باشد، و این حکایت از جامع‌نگری مؤلف عظیم‌الشان آن به نیازهای امروزین جامعه قرآنی دارد که توانسته است با درک صحیح چالش موجود در عصر گفتمان جدید، خلاء علمی موجود در عرصه قرآن پژوهی را به مدد حضرت مئان هموار سازد، خود مؤلف نیز به این نکته در مقدمه جلد اول اشاره کرده است.

عناوین کلی جلد آغازین تفسیر منه المئان

جلد اول این تفسیر در سه بخش کلی تدوین یافته است:

- بخش اول: مقدمه مؤلف

- بخش دوم: مبحث بسمله

- بخش سوم: تفسیر پاره‌ای سوره‌های قرآن

مؤلف در مقدمه تفسیر خود که شامل بیست عنوان می‌باشد و در واقع «درآمدی بر شیوه تفسیری» ایشان در «منه المئان» است، به بیان ویژگی‌های مهم شیوه تفسیری خود در نگارش این تفسیر پرداخته است، و در بعضی از موارد به آرای خویش در باب پاره‌ای از مباحث کاربردی علوم قرآنی در تفسیر، اشاره کرده است. به عبارتی مباحث این مقدمه بجه منزلت «مدخل تفسیری» ایشان می‌باشد که در جای خود مباحث جدید و نظریاتی نو و متقنی را در عرصه تفسیر نگاری و علوم قرآنی ارائه داده است.

مبحث بسمله

در این بخش که در جای خود گفتاری جامع و کم‌نظیر است، به تفسیر آیه شریفه «بسم الله الرحمن الرحيم» از ابعاد گوناگون لغوی، بلاغی، معنایی، روایی، فلسفی، عرفانی...، پرداخته شده است و در واقع این مبحث سرآغاز بخش تفسیر بوده و به منزلت



حسُن مطلع آن می باشد که به تبعیت از خود قرآن مجید با آیه شریفه بسم الله الرحمن الرحیم شروع شده است. علامه درباره تک تک واژگان و بلکه حروف این آیه بحثی موجز و در عین حال بسیار متقن و مفید ارائه داده و به دفع شبهاتی در چارچوب «اسئلة والجواب» پرداخته است و ضمن نقد برخی از آرای سایر مفسران در این باب از غفلت آنان در پاره ای موارد سخن رانده است و با مبنا قرار دادن نزول عرفی قرآن به نتایج در خور توجهی پیرامون آیه شریفه دست یافته است.

پاره ای از عناوین مبحث بسمله

الف: معانی چهارگانه مشهور درباره حرف باء در آیه بسمله؛

با استناد به حدیث «ان للقرآن بطناً ولبطنه بطن»^۴ معانی غیر متناهی و نامحدودی را برای این حرف متصور داشته و انسان محدود را از درک همگی آنها عاجز شمرده است و به پرسش درباره علت عدم استعمال حرف دیگری به جای حرف باء پاسخ داده است.

ب: متعلق باء بسمله؛

نقد رأی آیت الله خوئی در البیان و ارائه جوابی نقضی و حلی به آن. ۵.

ج: چرا واژه اسم ما بین باء و لفظ جلالة الله فاصله شده و اینکه آیا اعتماد بر لفظ جلالة «الله» بدون فاصله افضل از اعتماد بر واژه اسم نیست؟

با ارائه سه وجه پیرامون این پرسش، سه پاسخ محکم با استفاده از نصوص آیات و روایات ارائه کرده است.

د: پاسخ به چرایی شروع سور قرآن با بسمله و آثار معنوی بسمله.

و: مدلول و محتوای آیه شریفه بسم الله الرحمن الرحیم چیست؟

ضمن اشاره به وسعت مفاهیم مطروحه در این آیه و عمق آن، درک بشر عادی را از فهم همگی آنها قاصر دانسته و با استشهاد به روایتی از امیر المومنین علیه السلام که همگی علوم قرآن در نقطه باء بسم الله جمع شده و آن نقطه، وجود اعلی علی علیه السلام است: «ان علوم الكون كلها في القرآن و علوم القرآن في السبع المثانی و علوم السبع المثانی في البسملة و علوم البسملة في الباء و علوم الباء في النقطة و انا تلك النقطة»، به ویژگی منحصر به فرد و ممتاز علی علیه السلام در علوم هستی شناسی و به طور خاص در تفسیر قرآن اشاره کرده است و او را جامع علوم کونیه به استثنای علم الهی دانسته است. ۶.



ه: مزایای اختصاص آیه بسمله به دو اسم جلاله رحمن و رحیم و گفتاری در پیرامون حقیقت رحمت .

ی: و مطالبی دیگر ۷.

بخش سوّم:

این قسمت که در واقع بخش اصلی این تفسیر را تشکیل می دهد، تفسیر چند سوره از سُوَر کوچک قرآنی است که از آخرین سوره قرآنی، سوره ناس شروع شده و به سوره علق پایان پذیرفته است و در مجموع به تفسیر نوزده سوره پرداخته که اسامی آنها به ترتیب ذیل می باشد.

| | | | |
|--------------|--------------|---------------|--------------|
| ۱ . الناس | ۲ . الفلق | ۳ . التوحید | ۴ . اللّٰهَب |
| ۵ . النّٰصِر | ۶ . الكافرون | ۷ . الكوثر | ۸ . الماعون |
| ۹ . ایلاف | ۱۰ . الفیل | ۱۱ . الهمزة | ۱۲ . العصر |
| ۱۳ . التكاثر | ۱۴ . القارعه | ۱۵ . العاديات | ۱۶ . الزلزال |
| ۱۷ . البینه | ۱۸ . القدر | ۱۹ . العلق | |

اینکه چرا علامه محمد صدر تفسیر خود را از سوره آخرین قرآن و از سوره های دارای آیات کوتاه شروع کرده است و روشی خلاف معمول سایر مفسران در پیش گرفته، در جای خود خواهد آمد.

هدف از تألیف تفسیر منة المّان: «ضرورت اجتناب ناپذیری پاسخ به شبهات قرآنی» آن چنان که از عنوان این تفسیر برمی آید، منة المّان در دفاع از قرآن عقیده حنیف آن یعنی اسلام^۸ در قالب پاسخ به شبهات قرآنی نگاشته شده و مؤلف محترم آن، در طرح شبهات و پاسخ به آنها سعی بلیغ و هم وسیع نموده تا جوابی به شبهات وارده برساحت انوار کلام الهی داده باشد و در این مسیر مشعل فروزان و همیشه پرنور آیات قرآنی و روایات معصومین مددکار او بوده اند و از صراط احتیاط و حزم در گفتار گامی فرانهاده است.

آن چه از آن به عنوان شبهه یاد کردیم در واقع همان سؤالات به ظاهر متضاد با قرآن و موارد اجمال و ابهام پاره ای از آیات قرآنی است که در صورت عدم درک صحیح و فهم دقیق، ممکن است مستمسک افراد ضعیف العقل و یا معاندان قرآن در طرد این کتاب آسمانی واقع شود و موجب ضلالت آنان گردد و به جای سعادت و هدایت، مزید بر خسران آنان شود.



چنین امری مؤلف تفسیر منة المئان را واداشته است تا با طرح چنین شبهاتی در سطح تخصصی و قابل فهم برای آشنایان به تفسیر، گامی را در جهت تقریب به صراط اقوم آن بردارد و خلاء وجود چنین کتب تفسیری نگاری تخصصی را در جامعه قرآنی پُر سازد.

شیوه علامه محمد صدر در پردازش شبهات و پاسخ به آن

علامه در این تفسیر از روی عمد از بیان مطالب تفسیری محض - که شیوه تفاسیر عمومی است - خودداری کرده و دستیابی به چنین اطلاعات تفسیری را به کتب عمومی تفسیر ارجاع داده است و هم چنین به مانند سایر کتب تخصصی تفسیری که به «مشاکل القرآن» پرداخته اند و تنها از یک بُعد لغوی، کلامی، عقلی، فقهی و غیره... به تحقیق پیرامون پاره ای از آیات قرآنی دست زده اند، نمی باشد، بلکه در این تفسیر، به هر سؤال یا مشکل که به ذهن خواننده خطور کند صرف نظر از نوع آن، سعی شده که پاسخ داده شود، لذا خواننده در این تفسیر از هر علمی مطلبی را مشاهده می کند که مؤلف در پاسخ به سؤال از آن مدد گرفته است همانند: فقه، اصول فقه، صرف و نحو، بلاغت، اندکی تفسیر و... مضاف بر اینکه مؤلف از پاره ای علوم طبیعی مانند فیزیک، نجوم و علم تاریخ نیز در تبیین آیات استفاده برده است.^۹

شیوه پاسخ به سوالات طرح شده در تفسیر منة المئان در چارچوب طرح احتمالات متعدد و متنوع از ابعاد مختلف آن سؤال با عنوان «الاطروحة» صورت می گیرد، این شیوه در سرتاسر این تفسیر، علامه بعد از طرح سؤال به چشم می خورد، به این گونه که اول شبهه یا مشکل مورد نظر در قالب سؤال طرح و در پاسخ به آن از عنوان (فیه اطروحتین) یا «فان لها عدة اطروحات» استفاده شده است.^{۱۰}

حسن این روش این است که در این شیوه، مؤلف از ارائه رأی قطعی و نظر مختار خود به گونه ای ظریف در ظاهر امر اجتناب می کند، حال آنکه با تأمل در آن فهمیده می شود که علامه با این روش ضمن اعراض از ابتلا به مظنه تفسیر به رأی و دادن اختیار انتخاب نظر به خواننده، به پاسخ سؤال از منظر قرآن نیز پرداخته است، شاید بتوان گفت «اطروحه» یا احتمالاتی که در آن پاسخ به شبهه مستند به آیات و مستنبط از ظاهر و یا باطن قرآن آمده، همان رأی مختار مؤلف در مورد پاسخ به شبهه باشد، آن چنان که خود علامه در اواسط مقدمه چهارم از مدخل تفسیری خود به وجهی، به این مطلب اشاره دارند:

اتی لم اعط الراى القطعى... وبقى اختيار الاطروحة الواقعية منها موكولاً ظاهراً الى
القارى اللبيب وواقعاً الى المقاصد الواقعية للقرآن الكريم . ۱۱

به راستی که شیوه علامه صدر، روشی نوین در پرداختن به شبهات قرآنی است و نادر
بین مفسران، چرا که با این روش، ضمن وسعت بخشیدن به افق اندیشه در فهم قرآن و
استنباط از آن، ذهن و فکر خواننده را برای یافتن پاسخ های دیگر پیرامون مشکله باز گذاشته
و ذهن او را از فرو رفتن در قیود ظاهر الفاظ وارها نیده و به تعمق در معنا سوق داده است.
شایان ذکر است که تعریف علامه از اطروحه، صرف احتمال پیرامون یک مسأله
نیست. چنین تعریفی از اطروحه مبنای ایشان در تفسیر مئة المنان نبوده، بلکه در موسوعه
امام مهدی علیه السلام که بحثی تاریخی است، از آن استفاده کرده است.

تعریفی که از اطروحه مد نظر علامه در تفسیر مئة المنان بوده، به این توضیح است
که در این تعریف سؤال یا مشکله قرآنی مطرح شده به منزله نوعی استدلال در مقابل آیه ای
از قرآن شمرده شده که حاوی نوعی اعتراض بر اسلوب قرآن در بیان و یا خدشه در معنا و
مفهوم آن است، سپس اطروحه یا احتمالی که در مقابل آن ارائه می شود به منزله استدلال
در جهت اسقاط سؤال از ریشه و ازاله چنین تفکری «پیرامون آیه یا قرآن می باشد، آن گونه
که ایشان می فرماید:

ائى عرضتها [الاطروحة] ثانياً بانها الاحتمال المسقط للاستدلال المضاد . ۱۲

انتقاد از شیوه کتب تخصصی تفسیر در پاسخ به شبهات قرآنی

علامه با اینکه از تعریف قرآن به اعتبار «اشهر من ان یذکر» بودن آن در نزد مسلمین و
یا «کانه علم فی رأسه نار» خودداری می کند^{۱۳} ولی ذهن خواننده را به سؤالی درباره قرآن فرا
می خواند: آیا اشکال و یا وهم و اعتراض مشکلی می تواند بر ساحت قدسی قرآن بنشیند
و بر آن خدشه وارد سازد یا خیر؟

ایشان چنین تفکری را نتیجه جهل فرد، قصور و تقصیر او در فهم قرآن یا اثری از
همزات نفس اماره درباره قرآن می داند و ساحت نورانی و قدسی کلام الهی را از هر نوع
ایراد و خدشه و یا اشکال اعتراضی منزّه می شمرد، در عین حال حصول چنین اشکال و
اعتراض های علمی درباره قرآن را برای غالب اشخاص و یا همگی آنان ممکن و مؤثر در
عقیده و اخلاص آنان و احیاناً گمراهی و تحخیر آنها به حساب می آورد و از آنجا که قرآن



شامل موارد اجمال و مسائل «صعوبة الفهم» می باشد، نسبی بودن عذر آنها را در خطوط چنین اشکالاتی در ذهن شان می پذیرد ولی اغلب تفاسیر را در زدایش چنین اوهامی از اذهان مخاطبین معترض، خالی دانسته و بر شیوه تفسیر نگارانی که به طور تخصصی و فنی به چنین موضوعاتی پرداخته اند همچون عبدالجبار، العکبری و... دو ایراد عمده منطقی وارد می داند که تلخیص آن دو به بیان ذیل است:

۱. پاسخ به سؤالات و اشکالات مطرح شده، مستلزم دقت و قوت کامل علمی مفسر از هر بعد پیرامون مسأله می باشد و چون مفسر فاقد این دو شرط جهت مجاب نمودن متعرض باشد از طرح شبهه و پاسخگویی بدان خودداری می کند و هم چنان چهره نورانی کلام الهی در ذهن مخاطب در هاله ای از ابهام و اشکال باقی می ماند و در رشد او به هدف قرآنی که همان رهایی از ضلالت است هیچ کمکی نمی کند.

۲. طرح پاره ای از اشکالات در کتاب برای مؤلف آن این دغدغه و دلمشغولی را در پی خواهد داشت که احتمال دارد خواننده، اشکال مطرح شده در قالب سؤال را خوب بفهمد اما از آنجا که ظاهر اکثر این سؤال ها در نگاه اول با ظاهر قرآن در تناقض و یا تضاد می باشد، ممکن است باعث بروز شبهه ای در اندیشه خواننده گردد که قدرت دفع آن را، به علت عدم توانایی در فهم صحیح نداشته باشد، که در این صورت مسئولیت طرح چنین شبهه ای بر عهده مؤلف کتاب خواهد بود و این امر مستلزم وقوع در فعل حرام «من حیث یعلم أو لایعلم» بوده و نیز مسئولیت در روز قیامت. لذا برای چنین مفسرانی عدم طرح شبهه بهتر از طرح آن خواهد بود. ۱۴

علامه دو علت فوق را که در واقع به منزله نقد نگاشته های قرآنی در زمینه «مشاکل قرآن» می باشد، علت عمده گسترش شبهات پیچیده و گمراه کننده از صراط مستقیم به الحاد می داند و اکثر کتب تخصصی را در این زمینه خالی از پرداختن چنین موضوع مهمی دانسته و پردازش به چنین امری را بعد از اتکال به خداوند محتاج به «قلبی قوی» و «عقلی سوی» می داند. عمده محور تألیف این تفسیر، در اصل ترسیم این امر بوده تا توانسته باشند ضمن ارائه روشی نوین در پاسخ به سؤالات قرآنی، سنت تقلیدی موجود در نگارش چنین تفسیرهایی را شکسته و تحولی در این عرصه بوجود آورد؛ و از روی انصاف و با دیده تحقیق باید اذعان کرد که علامه از عهده چنین امر به خوبی برآمده و دریچه ای جدید به روی قرآن پژوهان گشوده است. به ویژه با ارائه احتمالات نادر و به عبارت خود

«الاطروحات الشاذة» بابی نو در عرصه تفکر قرآن پژوهی گشوده است، به این صورت که علامه ضمن نقد شیوه رایج در میان کثیری از صاحب نظران امروزی که آرای خود را مستند به قواعد علوم متداولی همانند: نحو، صرف، بلاغت، و... که هیچ دلیل متقنی بر صحت آن قواعد جز تبعیت از پیشینیان ندارند، آن را نوعی اندیشه تقلیدی متعارف و معمول امروزمین در بیشتر طرق معرفت دانسته و با ارائه دیدگاهی شاذ و نادر برخلاف سنت دیرینان، در پاسخ شبهات، ذهن خواننده را به دریچه‌ای جدید و فارغ از قواعد تقلیدی متعارف باز نمود. و او را به تأمل دقیق در پیرامون مسأله سوق می‌دهد هر چند که مخالف نظریه مشهور و مسلّم پیشینیان باشد و از چنین احتمال و رأیی با عنوان «اطروحة شاذة»^{۱۵} نام می‌برد و این فتح بابی است نو در پاسخ به شبهات جدید قرآنی.

پیش شرط علامه صدر برای مطالعه تفسیر مئة المئان

از جمله نکات جالب و قابل توجه در مدخل تفسیر علامه، که شاید در کم‌تر کتاب تفسیری بدان توجه شده، پیش شرطی است که ایشان برای مطالعه این تفسیر گذاشته و بدان تأکید ورزیده است، با اشاره به اینکه این تفسیر برای سطح علمی خاصی از پژوهشگران قرآن پژوهی نگاشته شده، مطالعه آن را برای خواننده ناآگاه به متون کلاسیک و متعارف علوم حوزوی از قبیل، فقه، اصول فقه، منطق، کلام، صرف و نحو و مانند آن، به علت صعوبت در فهم مطالب کتاب جایز ندانسته و با عبارت «فلا يجوز له شرعاً ان يقرأ هذا الكتاب»^{۱۶} مطالعه آن را به علت پردازش شبهات قرآنی، مقید به داشتن اطلاعات دقیق و وسیع از علوم دینی و ابزاری کرده است و این نکته بیانگر تخصصی بودن مطالب این تفسیر و به ویژه شبهات طرح شده در آن است و این حکایات از قوت و دقت علمی مؤلف آن در طرح و پاسخ به شبهات دارد و شایسته قرآن پژوهان معاصر که در نگارش مطالب تخصصی قرآنی، تعیین سطح علمی برای مطالعه اثر را مد نظر قرار داده، و در ابتدای نگاشته بدان اشارت فرمایند تا هر خواننده‌ای در هنگام مطالعه اثر در میزان معلومات علمی خود در فهم مطالب، دقت کامل مبذول دارد و با توانایی کامل به مطالعه بپردازد و حسن مضاعفی بر اثر نگاشته به حساب آید. شایان ذکر است که علامه برای عدم جواز شرعی مطالعه کتاب برای فرد نامتخصص در مسائل تفسیری و علوم قرآنی توجیه منطقی و عقلایی ارائه داده است، خلاصه توجیه ایشان چنین است:

ممکن است در اثر عدم فهم دقیق و صحیح جواب ارائه شده برای سؤال، در ذهن خواننده شبهه‌ای ضد قرآنی به وقوع بپیوندد و یا همان شبهه هم چنان غیر قابل حل در و ذهن او مانده و خودش هم غافل از آن باشد و در اثر انباشت چنین شبهه‌هایی در عقیده دینی او نسبت به قرآن اضرائی حاصل شود و مطالب کتاب به جای نفع، عامل اضرار واقع شود. ۱۷. مؤلف در آخر مقدمه دوم با بیان توجیه این پیش شرط در مطالعه تفسیر مئة المئان، خود را از وقوع هرگونه اضرائی در عقیده دینی خواننده در صورت عدم رعایت آن، بری الذمه اعلام می‌دارد.

دیدگاه مؤلف درباره برخی از مباحث مهم علوم قرآنی

الف: نسق قرآن

علامه با اشاره به اینکه مخلوقات خداوند در جهان هستی از یک بُعد، حداقل دارای یک نوع ذوق تکوینی زیبایی هستند، ذوق فنی و ادبی موجود در بین آیات قرآن را از زمره این ذوق تکوینی در جهان هستی می‌داند و آن را مثال اتم و اکمل در عرصه ادبیات می‌شمارد و وارد دانستن هرگونه تغییری در این ذوق فنی را موجب از هم پاشیدن سیاق قرآن از جمال ادبی و هیبت و رصانت معنوی آن می‌شمزند و تناسق موجود در بخش پایانی آیات را که این چنین هماهنگ و هم نوا در پی هم چیده شده‌اند نمی‌توان سجع نامید، چرا که سجع به علت وجود نقاط ضعفی که در آن است قابل انطباق با آیات قرآنی نیست و بهتر آن است که به جای سجع آن را نسق بنامیم تا سجع را هم در برداشته باشد.

مراد علامه از نسق بین آیات همان قسمت پایانی آیات است که در پاره‌ای از موارد برخلاف قانون سجع بیشتر از چند حرف می‌باشد آن چنان که می‌نویسند:

فنهايات الای لها معنی خاص بها لا یمكن ان نسیمه سجعاً وانما نسیمه نسقاً لأن

السجع فیه نقطتان للضعف لا تنطبقان علی القرآن الکریم. ۱۸.

ب: وحدت سیاق

علامه محمد صدر در اکثر مباحث تفسیری خود از این واژه استفاده کرده است و در استدلال به جواب، یکی از مستمسک‌های ایشان در پاره‌ای از موارد مورد نیاز به حساب می‌آید، لذا با توجه به اهمیت موضوع شایسته دیده در مقدمه تفسیر از آن سخن براند. و ضمن اشاره به تقسیمات دوگانه سیاق به معنوی و لفظی، به لزوم کاربرد وحدت سیاق

لفظی در قرآن تأکید داشته و آن را به تناسق و هماهنگی عرفی موجود در ذوق و لغت قرآن تعریف می نمایند آن گونه که اگر یک کلمه و بلکه یک حرف در لابلای آیات اضافه و یا کم گردد موجب خلل در سیاق لفظی قرآن خواهد بود و برای نمونه دو مثال در این باره ارائه می کند که هر دوی آنها به عدم وجود حرف و او در آیه بسمله و آیه اول سوره ناس اشاره دارند، که در صورت ازدیاد چنین حرف کوچکی سیاق لفظی هر دو به هم می ریزد. ۱۹

ج: قرائت حفص عن عاصم

مؤلف گرانقدر تفسیر منة المئان با عنایت بدان که این تفسیر را در راستای حل مشکلات قرآنی نگاشته است، خود را محدود به پیروی از قرائت مشهور، حفص از عاصم نمی داند و از سایر قرائات غیر مشهور، در صورت نیاز در حل مشکله قرآنی نیز استفاده می کند. ایشان ضمن بیان پاره‌ای از نقاط ضعف این قرائت (حفص عن عاصم) آن را افضل وافصح قرائات دانسته و در کتب فقهی خویش احتیاط را در قرائت به طریق حفص دانسته است و سه دلیل بر آن اقامه کرده است.

الف: فصاحت این قرائت.

ب: وجود دلیل «استفاضه» در انتساب آن به عاصم.

ج: وجود دلیل معتبر بر امضای این قرائت از ناحیه معصومین علیهم السلام.

ولی آن چنان که در اول این بخش اشاره کردیم، علامه استفاده از سایر قرائات را در دفع مشکله، تغییر سیاق آیه و ایضاح معنی آن جایز و بلکه لازم می داند. ۲۰

د: اهداف سوره‌های قرآن

بدون شک مجموع قرآن دارای یک هدف عام که همان هدایت جامعه بشری به سوی سعادت ابدی است، می باشد و در پاره‌ای از آیات بدان اشاره شده است همانند آیه: «ونزلنا علیک الکتاب تبیاناً لکل شیء وهدی ورحمة»، (نحل، ۱۶/۸۹)

اما این که آیا تک تک سوره‌های قرآنی نیز جدای از این هدف عمومی قرآن برای خود یک غرض معین و خاصی را دارند یا نه؟ مورد بحث در بین مفسران متأخر بوده و نظریات متفاوت و مختلفی در این باره ارائه شده است.

علامه صدر در یکی از بخش‌های مقدمه تفسیری خود، به تفصیل و تحقیق در این باره



سخن گفته است و خلاصه نظر ایشان این است که وجود غرض معین برای هر سوره در پاره‌ای از سُوَرِ قرآن بدون تردید روشن و آشکار است همانند سوره حمد، توحید و کافرون و... اما سوره‌های طولانی قرآن و یا سور دیگر آن به هیچ شکل از یک هدف معینی خبر نمی‌دهند و هیچ دلیل عقلی و نقلی بر وجود یک هدف معین و مشخص در این سوره‌ها وجود ندارد، لذا نمی‌توانیم قائل بشویم که تمامی سوره‌های قرآن دارای اهداف جداگانه از هم می‌باشند، بلکه در پاره‌ای موارد در یک سوره از اهداف متعدد سخن به میان آمده و آیات به معانی متباین از هم اشاره کرده‌اند و وجود چنین تباینی در یک آیه مثل آیه یک سوره مائده که از دو موضوع متفاوت از هم سخن گفته:

یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أُحْلَتْ لَكُمْ بِهِمَةِ الْإِنْعَامِ . امکان آن را در یک سوره خیلی سهل می‌نماید . ۲۱

مؤلف، درباره بیشتر موضوعات تفسیری مانند اسامی سور، شأن نزول و... بحث مبسوطی را در مقدمه و در بخش تفسیر ایراد کرده است، که ما فقط به پاره‌ای از مباحث مهم آن اشاره کردیم.

شیوه مفسر در به تفسیر سوره‌ها

ایشان در تفسیر هر سوره، نخست به بحث تسمیه و نامگذاری سوره‌ها به عنوان خاص پرداخته و احتمالات مطرح در هر مورد را جمع کرده است سپس درباره تک تک واژگان و ترکیب آنها از حیث معنا و جنبه ادبی آن، علت استعمال لفظ خاص در یک آیه و غرض از آن را بیان می‌کند. و این روش را در تمامی آیات ادامه می‌دهد، و در لابلای این مباحث در صورت وجود نظری متفاوت با دیدگاه ایشان مورد نقد قرار گرفته و ضعف و یا قوت آن در صورت ترجیح قول بیان شده، عمده آرای مد نظر ایشان در تفسیر منة المنان نظرات علامه طباطبایی (ره) صاحب المیزان، آیت الله خوبی (ره) صاحب البیان و سید مرتضی، صاحب حقایق التأویل می‌باشد.

علامه در تبیین معارف آیات از کلمات نورانی ائمه به ویژه نهج البلاغه و ادعیه معتبر و ماثور، مدد جسته است و در برخی از موارد به شأن نزول سوره و یا آیه اشاره کرده است. از مباحث مهم و قابل توجه این بخش که در سراسر این قسمت دیده می‌شود، طرح سؤال و پاسخ‌هایی است که علامه در کمال استحکام و اتقان بدانها اشاره کرده است،



اکثر این سؤال‌ها که اکثراً از ناحیه خود مؤلف طرح شده، جنبه تقابل دو سویه از ناحیه پرسشگر و پاسخگو دارد و در واقع این شیوه ارائه مطلب با خود یک سبک ویژه مطالعاتی را نیز در این تفسیر همراه دارد، که خواننده را تا رسیدن به سرحد پاسخ قطعی به دنبال خود می‌کشد و این از امتیازات تفسیر منه‌المتان نسبت به سایر کتب تفسیری است که در آن مفسر فقط به نگاشتن مطلب، هر چند محکم و متقن اکتفا نکرده است، شاید بتوان گفت که این تفسیر در برقراری ارتباط علمی دو سویه ما بین مؤلف و خواننده آگاه با رعایت پیش شرط، راه موفق‌تری را پیموده است و به قطع از بایسته‌های نگارش متون تفسیری امروزی ما است که بایستی مورد توجه قرآن پژوهان قرار گیرد.

نکته قابل توجه دیگری که در بخش تفسیر به چشم می‌خورد، تفسیر قرآن از آخر به اول می‌باشد. به عبارتی علامه به جای شروع از سوره فاتحه، بقره، آل عمران و... از آخر قرآن و نخست از سوره ناس بعد فلق و... شروع به نگارش کرده است و در واقع سنت موجود در نگارش تفسیر را که از دیرینه مشهوری در بین مفسران برخوردار است، وانهاده و به روشی دیگر دست زده است. علامه علت التزام به این روش جدید را نتیجه دو عامل می‌داند:

اول: عامل روانی و یا نفسی.

دست برداشتن از شیوه تقلیدی موجود در بین مفسران و ارائه شیوه جدید.

دوم: عامل عقلی:

در شیوه نگارش تفاسیر عمومی، روش معمول این گونه است که مفسر اکثر مطالب و نظریات خود را تا اواسط قرآن به تفصیل و بسط بیان می‌کند و در نصف دیگر قرآن، مباحث، مختصر شده و به بخش اول ارجاع داده می‌شود، این شیوه در نظر خواننده و اذهان عمومی نوعی کم‌اهمیتی به بخش دوم قرآن را ایجاد می‌کند، به این صورت که فکر می‌کنند بخش دوم از نظر مضمون و محتوا کم‌تر از بخش اول است حال آنکه واقعیت امر این گونه نیست، زمانی که این شیوه عکس می‌شود (شیوه تفسیر منه‌المتان) مفسر قادر خواهد بود که ضمن اشباع بحث در سوره‌های کوچک و زدودن چنان شبهه‌ای درباره قرآن، با رسیدن به سوره‌های طولانی، مباحث را با تفصیل بیشتر ارائه دهد و از ارجاع به بخش دیگر بی‌نیاز باشد و این خود در یادگیری مطالب تفسیری نیز بسیار مهم و جالب توجه است.

لازم به ذکر است که سیر قهقراپی این شیوه به ترتیب سوره‌ها از آخر قرآن صورت



یافته نه ترتیب آیات سوره، به عبارتی اول از سوره آخر قرآن (ناس) شروع شده و بعد سوره ما قبل آخر (فلق) وهم چنین تا اول قرآن ادامه یافته است. ۲۲

در پایان باید گفت که این مقاله تنها به پاره ای از خصوصیات تفسیر مئة المئان پرداخته و جهت دستیابی به سایر ویژگی ها و مطالب خواندنی آن چاره ای جز مطالعه و دقت در مطالب آن نیست.

۱. برای تفصیل بیشتر بنگرید: الف: امام مهدی و نگرشی به تاریخ غیبت صغری ترجمه محمد امامی شیرازی، نشر جهان آرا.
- ب: تاریخ غیبت کبری، ترجمه سید حسن افتخارزاده، بخش مقدمه.
- ج: نبذة مختصره عن حياة الشهيد السيد محمد الصدر، اعداد و تنظیم مؤسسه الرضا، نشر عصمت، طبع الاولى ۱۴۱۹ هـ. ق، قم.
۲. مئة المئان فی الدفاع عن القرآن / ۲۷، نشر دارالتجوی، بیروت.
۳. همان / مقدمه ش ۸، ص ۱۴.
۴. همان / ۲۸. به نقل از: محمد باقر مجلسی بحار الانوار، / ۹۵۹۲.
۵. همان / ۲۹-۳۰.
۶. همان / ۳۲-۳۳.
۷. بنگرید: همان / ۳۳-۳۸.
۸. مئة المئان: ... و خاصه ان المورد هو الدفاع عين الكتاب الكريم و عقيدة ديننا الحنيف.
۹. همان / ۱۴، مقدمه ش ۹.
۱۰. همان / ۸-۹، مقدمه ش ۴ و ۵.
۱۱. همان / ۸، مقدمه ش ۴.
۱۲. همان / ۱۰، مقدمه ش ۵.
۱۳. همان / ۵، مقدمه ش ۱.
۱۴. همان / ۶، مقدمه ش ۱.
۱۵. همان / ۱۲، مقدمه ش ۷.
۱۶. همان / ۷، مقدمه ش ۲.
۱۷. همان.
۱۸. همان / ۱۶، مقدمه ش ۱۶.
۱۹. برای تفصیل ر. ک: همان / ۲۳، مقدمه ش ۱۷.
۲۰. همان / ۱۸، ۱۹، مقدمه ش ۱۳.
۲۱. همان / ۱۹، ۲۰، مقدمه ش ۱۴.
۲۲. همان / ۱۵، مقدمه ش ۱۰ و بخش تفسیر از ص ۴۰ تا آخر کتاب.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

